

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران

ناهید کیانی طالقانی^۱

حسن رضا زین‌آبادی^۲

حمیدرضا آراسته^۳

حسین عباسیان^۴

چکیده

پژوهش، مطالعه‌ای نظام‌مند و کنترل‌شده تجربی و انتقادی درباره کشف روابط میان پدیده‌ها و ارائه‌ی فرضیه‌های گوناگون به شمار می‌رود و در جست‌وجوی دستیابی به هدف و عملی مشخص است و بر تأمین سعادت و رفاه همگان تأکید می‌کند. آنچه مسلم است پژوهش‌ها باید نیازهای علمی و تکنولوژی کشور را برطرف و تولید ثروت کنند اما وقایع و اتفاقات موجود در آموزش عالی از جمله آثار علمی غیرقابل استناد، کاهش کارایی تحقیق و ... این مفروضات را زیر سؤال برده است. به چه دلایلی کشور ما به‌زعم برخوردار از امکانات بالقوه در این بخش و نیروهای محقق نتوانسته است در زمینه‌ی تحقیقات و رفع نیازهای جامعه گام‌های مؤثری بردارد. پژوهش حاضر، باهدف شناسایی و تبیین علل مؤثر بر بروز کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا انجام شد. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته با ۲۲ نفر از پژوهشگران برتر، خبرگان و سیاست‌گذاران پژوهش کشور در سال ۹۸-۱۳۹۷ به روش نمونه‌گیری هدفمند جمع‌آوری شد. یافته‌ها نشان داد که مشکلات ساختاری موجود، مأموریت‌گرا نبودن دانشگاه، ضعف ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه، مقاله‌گرایی، ضعف نظام ارزیابی، افت معیارهای جامعه علمی، نظام نادرست پذیرش دانشجو و

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، نویسنده مسئول، پست الکترونیک:

std_kiaie@khu.ac.ir

^۲ دانشیار، مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، پست الکترونیک: zeinabadi_hr@khu.ac.ir

^۳ استاد، مدیریت آموزش عالی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، پست الکترونیک: arasteh@khu.ac.ir

^۴ استادیار، مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی، پست الکترونیک: H_abbasian@khu.ac.ir

جذب هیئت علمی و همچنین ضعف ساختار قانونی از جمله علل اصلی کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران است.

واژگان کلیدی: کژ کارکردی پژوهش، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، مأموریت دانشگاه‌ها، تحلیل کیفی.

مقدمه

یکی از وظایف مهم پژوهشی دانشگاه، شناخت نیازهای تحقیقاتی و پژوهشی کشور و معرفی امکانات علمی، تحقیقاتی و توانایی بالقوه دانشگاه به جامعه است؛ در نتیجه دانشگاه در حل مسائل اساسی کشور جایگاه ویژه دارد و با ایجاد رابطه متوازن و پویا بین جامعه، صنعت، دانشگاه و دولت، می‌توان با جلب اعتماد و مشارکت دانشگاهیان در شناسایی و حل مسائل اساسی کشور اقدام نمود. دانشگاه، مرکز پژوهش علمی و فرهنگی و مهد نوسازی اجتماع است، زیرا محلی است که در آن افکار و اندیشه‌های جدید، دانش و معرفت نو، فناوری متحول و فرهنگ خلاق و پویا نشو و نما می‌یابد. به همان میزان که تقاضا برای ورود به دانشگاه و یا دریافت خدمات آموزشی، پژوهش و ... آن افزایش می‌یابد، انتظارات نسبت به دریافت بروندهای مناسب نیز بیشتر می‌شود.

شکل‌گیری جریان پژوهش در کشور ما اتفاق مثبتی بود. دانشگاه‌ها هم این رسالت را به عهده گرفتند تا در کنار آموزش و تربیت نیروی انسانی به امر پژوهش نیز اهتمام ورزند. تقریباً در ۴۰ سال گذشته این روند صعودی بوده و در یکجایی هم‌شیب‌نمایی به خود گرفته است. از زمانی که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری سیاست‌های تشویقی برای چاپ مقالات علمی وضع کرد و بحث مقالات ISI و شاخص تأثیرگذاری در پایگاه‌های جهانی در آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌ها به‌عنوان یک الزام مطرح شد، تعداد مقالات پژوهشگران با شیب بسیار تندی افزایش پیدا کرد به‌خصوص اینکه بعد از انقلاب، توسعه تحصیلات تکمیلی در دانشگاه‌ها سرعت گرفت و دانشجویان ارشد و دکتری موتور محرک پژوهش و چاپ مقالات علمی شدند؛ بنابراین یک‌روند صعودی را طی کردیم و در حال حاضر کشور ما متجاوز از ۵۰ هزار مقاله در سال منتشر می‌کند تا چرخ پژوهش در کشور رو به توسعه باشد. طبیعتاً همانند هر پدیده و جریان دیگری که راه می‌افتد، این پدیده نیز می‌تواند در معرض آسیب‌هایی قرار گیرد. یکی از وظایف سیاست‌گذاران این است که آسیب‌ها را به‌سرعت شناسایی، ریشه‌یابی و تجزیه و تحلیل کنند و درصدد مقابله با آن‌ها برآیند.

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۴۱

برای تولید و عرضه اثر علمی چند مرحله طی می‌شود. مرحله پیش از تولید که انگیزه پژوهش شکل می‌گیرد و در این مرحله نیاز پژوهش شناسایی می‌شود و مرحله انجام پژوهش که در آن فرایندی اتفاق می‌افتد و افرادی درگیر هستند و منجر به یک خروجی می‌شود؛ مرحله آخر، پس از تولید است که در آن نتایج پژوهش ممکن است مثل پژوهش‌های دانشگاهی مقاله و کتاب باشد، یا همانند پژوهش‌هایی که برای صنعت انجام می‌شود، در قالب گزارشی ارائه شود و

در مسیر هرکدام از این مراحل عواملی در شکل‌گیری کژ کارکردهای پژوهش دخالت دارند؛ در مرحله پیش از تولید دچار دور باطل شده‌ایم و در متون مختلف بسیار اشاره شده است که دانشگاه ارتباط نزدیک و ارگانیک و پویایی با جامعه و صنعت ندارد. دلایل مختلفی بیان شده است از جمله آنکه دانشگاه زمانی برای برطرف شدن نیازهای استخدامی دستگاه‌های دولتی ایجاد شد و به تربیت نیروی انسانی پرداخت و چون تقاضای کاذب برای ورود به دانشگاه همواره وجود داشته است، به همان شیوه ادامه یافته و به نیازهای جامعه توجه نکرده است؛ مثلاً اگر روانشناس یا مهندس کامپیوتر تربیت می‌کند بازخوردی از جامعه نمی‌گیرد که جامعه از این مهندس، روانشناس یا پرستار و ... از نظر مهارت و دانش و توانایی چه می‌خواهد؟ و به چه تعداد از فارغ‌التحصیلان رشته‌های مختلف نیاز دارد؟ در صورتی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته چنانچه تغییری در جامعه ایجاد شود تعداد دانشجوی در رشته مربوط به تناسب موضوع کاهش یا افزایش می‌یابد و دانشگاه بلافاصله مجبور به بازنگری سرفصل‌های دروس می‌شود. این بازخورد که از جامعه و صنعت به دانشگاه منتقل می‌شود، بلافاصله هم در پژوهش و هم در آموزش تأثیر می‌گذارد؛ در غیر این صورت دانشگاه‌ها محکوم به فنا هستند. متأسفانه در ایران به دلیل عدم وجود این حلقه، ارتباط سازنده و ارگانیک هم وجود ندارد. هیئت‌علمی چه در پژوهش و چه در آموزش چیزی را دنبال می‌کند که یا از وزارتخانه دیکته می‌شود و یا بر مبنای تصمیم‌هایی است که بی‌ارتباط با جامعه گرفته و منجر به پژوهشی می‌شود؛ در نتیجه خروجی آن ممکن است مورد استفاده قرار نگیرد.

از نظر تئوری، انسان دانشگاهی، اهل علم است و حتی اگر عوامل استخدامی و ترفیع و ... مطرح نباشد، ذاتاً به دنبال حقیقت است؛ اما در عمل، رفتار هیئت‌علمی و انگیزه‌هایش غیر از انگیزه‌های درونی اوست. ایده آل است که فرد به‌منظور تقویت عزت‌نفس خود آموزش دهد و به دنبال کشف حقیقت، پژوهش کند. ولی انگیزه‌های درونی به دلایل فرهنگی و اجتماعی در ایران در طی سال‌های اخیر تضعیف شدند. بخش زیادی از کار هیئت‌علمی ناشی از انگیزه‌های بیرونی (از جمله الزام آیین‌نامه و یا سازمان استخدام‌کننده برای پیشرفت و افزایش حقوق و ...) است که باعث تغییرات رفتاری در هیئت‌علمی می‌شوند و به رفتار آن‌ها شکل می‌دهند.

یکی از آسیب‌ها بحث تقلب علمی است و کسانی که دنبال ریشه‌یابی این مسئله هستند، مسئله تقلب در مقالات علمی را بیشتر به حالت اجباری چاپ مقاله (برای ارتقای اعضای هیئت علمی، دفاع از رساله دانشجویان دکتری و در مواردی هم پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد) ارجاع می‌دهند و ادعا می‌کنند که اصرار افراطی در چاپ مقاله موجب این اتفاق شده است. واقعیت این است وقتی کشور در مسیر توسعه کمی قرار می‌گیرد، در کنار سیاست‌های تشویقی به‌ناچار سیاست‌های اجباری هم وضع می‌کند؛ اما باید مراقب بود که سیاست‌های نظارتی و آموزشی نیز مدنظر قرار گیرد. در فرایند انجام پژوهش نیز مواردی چون داده سازی و عدم قوام روش‌شناختی پژوهش و... موجب عدم اعتماد به نتایج پژوهش می‌شود. زمانی وظیفه پژوهشگر این بود که مقاله علمی را تدوین و به هم‌تایان خود عرضه کند اما در دنیای امروز پیامی که از پژوهش به دست می‌آید و به دست کاربر نهایی^۱ یا ذی‌نفعان پژوهش می‌رسد، حائز اهمیت است؛ بنابراین فقط تدوین مقاله مهم نیست بلکه خروجی پژوهش نیز برای در دسترس قرار گرفتن مخاطبان مختلف باید طبقه‌بندی و مفهوم‌سازی شود.

بر اساس آمار و نتایج تحقیقات مختلف، تخلفات گسترده در حوزه پژوهش اعم از تحقیقات غیرکاربردی، داده سازی، سرقت علمی، بی‌توجهی به حقوق ذی‌نفعان پژوهش، سیاسی‌کاری در فرآیند داوری و انتشار آثار علمی به‌وفور در آموزش عالی ایران یافت می‌شود و وجود تعداد زیادی از مؤسسات بیرونی که در زمینه تدوین پایان‌نامه و مقالات مختلف فعالیت می‌نمایند آن‌هم در کنار یکی از بزرگ‌ترین و بهترین دانشگاه‌های ایران نشانه روشنی بر این ادعا می‌باشد و در تحقیقات مختلف به آن اشاره شده است (مطلبی فرد، ۱۳۹۵).

از آنجاکه دانشگاه‌ها محور و مدار توسعه در جوامع امروزی هستند، بررسی و شناخت مسائل تحقیق و پژوهش علمی از اهمیت بسزایی برخوردار است. دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی که در اسفندماه ۱۳۹۳ با اهداف " صیانت از مالکیت فکری و رعایت حقوق مادی پژوهشگران"، " ارج نهادن به اصول اخلاق علمی و پایبندی به آن در جامعه علمی" و "جلوگیری از تضعیف اعتبار علمی کشور" از سوی وزیر (وقت) علوم، تحقیقات و فناوری ابلاغ شد، مبین اهمیت موضوع در نظام آموزش عالی ایران است (وزارت علوم، ۱۳۹۳).

در نظام آموزش عالی ایران، دانشگاه‌ها ارتباط مناسب با جامعه برقرار نمی‌کنند و دانشجویان متناسب با نیازهای جامعه تربیت نمی‌شوند؛ بنابراین خروجی مناسبی از این نظام در بازار و صنعت دیده نمی‌شود. بر اساس نتایج تحقیقات انجام‌شده، مواردی چون کاربردی نبودن پژوهش‌ها، سرقت علمی، عدم توجه به حقوق ذی‌نفعان و سایر مواردی که جزء کژ کارکردی پژوهش محسوب می‌شوند، به دلایل مختلف از جمله توجه صرف به کمیت پژوهش،

^۱ End User

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۴۳

نبود مراکز و نهادهای تدوین، اجرا و ارزیابی قوانین مربوط، ارائه امتیازات و مزایای پژوهشی بدون در نظر گرفتن نیازسنجی پژوهشی و ... اتفاق می‌افتد؛ اما تا به اکنون تحقیقی جامع در خصوص شناخت دقیق این پدیده (کژ کارکردی پژوهش) و بررسی علل بروز آن انجام نشده است. در نتیجه محقق در این پژوهش تلاش می‌کند تا ابعاد پیدا و پنهانی که در بروز این پدیده نقش داشته‌اند را شناسایی کند تا گامی در جهت شناخت و ارائه تصویر روشن از آن به‌منظور بهبود وضعیت حاضر برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان امر پژوهش کشور بردارد. در این پژوهش با رهیافت کیفی و به شیوه تحلیل محتوا، کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران بررسی شده و تحلیل علل بروز آن مدنظر قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

بیانیه‌ای که در تاریخ ۱۱ آبان ۱۳۹۵ در پایگاه خبری نشر "اسپرینگر نیچر"^۱ پخش شد از جمع‌آوری ۵۸ مقاله‌ی نوشته‌شده توسط ۲۸۲ محقق ساکن ایران از این نشریه خبر داد. براین اساس "بایومد سنترال"^۲ از این تاریخ ۲۸ مقاله را از فهرست منتشره‌ی خود جمع‌آوری می‌کند. بایومد سنترال و اسپرینگر همچنین از بررسی موشکافانه ۴۹ مقاله دیگر نیز خبر دادند. این دو سازمان علمی زیر نظر نشر "اسپرینگر نیچر" فعالیت می‌کنند. دلیل افشاگری و حذف این مقالات از نشریات فوق پیدا شدن مدارکی دال بر "دزدی علمی"^۳ و عوامل مشابه ذکر کرده‌اند بطوریکه ۷۰ درصد از مقالات بررسی‌شده این گروه در نشریه اسپرینگر حاکی از رتوشه کردن و دست‌کاری اطلاعات، بازنویسی و دزدی علمی است. همچنین سخنگوی بایومد سنترال، امی بورک ویت^۴، نشانه‌هایی را برای تأیید دزدی علمی ۹۳ درصد این مقالات عنوان می‌کند. به نظر می‌رسد که بیانیه‌ی فوق، حرف جدیدی برای ما دارد؛ اینکه نگاه ویتربنی به علم و دانش، شخصیتی بازاری را برای پژوهشگر ایرانی ساخته است بنابراین او تمام تلاشش نه ارائه پژوهشی برای حل بحران‌های جامعه است بلکه می‌کوشد تا در زمان کوتاه و زحمت کمتر، مقاله یا کتابی را نشر دهد تا مورد تحسین و تشویق مالی از طرف نهادهای مختلف قرار بگیرد و نهادهای مربوطه هم در بوق و کرنا کنند که بله ما ازلحاظ تولیدات علمی و تعداد مقالات در نشریات خارجی در جهان مقام بالایی داریم! و البته امروز نتیجه‌ی ویتربنی شدن

^۱Springer Nature

^۲BioMed Central

^۳Plagiarism

^۴ Amy Burke Witt

علم در انعکاس خبرگزاری‌های جهان در رابطه با حذف ۵۸ مقاله از محققان ساکن ایران از نشریه نیچر را می‌توانیم ببینیم و احتمالاً بررسی‌های مجلات علمی دیگر جهان در خصوص مقالات ایرانیان، با دقت بیشتری شروع خواهد شد، پس باید منتظر نتایج بعدی این مسیر غلط و ویتروینی شدن علم بمانیم (امینی، ۱۳۹۵).

قراملکی و همکاران (۱۳۹۶)، مشکل بهره‌وری در کشور را پدیده فراگیر دانسته‌اند به‌ویژه در امر پژوهش که با انگیزه‌های کسب درآمد و شغل ایجاد می‌شود. چنان‌که مقوله پژوهش‌های موظفی نیز امری مشمئزکننده است، زیرا پژوهش باید هدف اثربخش داشته باشد. ما به‌اندازه‌ای که بهره‌وری نداریم از اخلاق دوریم و نشانه اخلاقی زیستن امانت‌داری به معنای عام آن است. یک مسئول و مدیر اگر در ایجاد بهره‌وری کم‌فروشی کند بدون تعارف در امانت خیانت کرده است.

مرجانی (۱۳۹۵)، ابعاد پنج‌گانه هنجارهای دانشگاهی و حرفه‌ای موردنظر پرپیک^۱ را به شرح ذیل عنوان کرده است. رعایت قواعد کنش علمی: بر اساس رویکرد مرتون^۲ کنش علمی دارای قواعد و هنجارهای خاص خود است و این قواعد مرزهای کنش علمی با سایر رفتارهای عادی دانشمندان و افراد دیگر را از هم منفک می‌کند؛ به‌عبارت‌دیگر، اگر کنش علمی این خصایص را نداشته باشد، از جرگه رفتار علمی دور خواهد بود.

کمال‌گرایی علمی: کمال‌گرایی این است که کنشگر علمی به رشد و ترقی موضوع مورد مطالعه و سازمان علمی از یک‌سو و رفع نیاز کارفرمایان و مراجعان از سوی دیگر، اهتمام داشته باشد.

مسئولیت‌پذیری علمی: مسئولیت‌پذیری علمی این است که کنشگر علمی در خصوص کیفیت تحقیق، نتایج و یافته‌های به‌دست‌آمده و محیط علمی خود به‌درستی و شفافیت عمل کند. بر این اساس، لازم است کنشگر علمی در مسیر مسئولیت‌پذیری در خصوص کیفیت تحقیق، بر وضوح و صراحت تحقیق تأکید کند و به خلوص و اصالت نظری (تمامیت و کیفیت تئوری) اهتمام ورزد و درستی و شفافیت در شیوه نگارش را رعایت کند.

رعایت اخلاق علمی: رعایت اخلاق علمی این است که کنشگر علمی در حین اجرای تحقیق در خصوص پاسخگویان و زیردستان اصول اخلاقی را رعایت کند، به‌طوری‌که عوارض ناشی از اجرای تحقیق به آن‌ها صدمه نزنند. بر این اساس، لازم است کنشگر علمی در مسیر رعایت اخلاق علمی در خصوص پاسخگویان از حرمت و صحت روحی و جسمی آزمودنی‌ها و بیماران در جریان آزمایش صیانت و به‌پوشیده ماندن هویت پاسخگویان یا بیماران در جریان آزمایش و تحقیق توجه و از هرگونه اجبار و فشار به شرکت پاسخگویان در فرایند تحقیق پرهیز کند. همچنین کنشگر

^۱ Perpic

^۲ Merton

علمی در رعایت اخلاق علمی در خصوص زیردستان نیز باید مهارت‌آموزی علمی و ارزیابی منصفانه دانشجویان را مدنظر داشته باشد و از سوءاستفاده از کار دانشجویان پرهیز کند.

سخاوت و خیراندیشی علمی، سخاوت و خیراندیشی علمی این است که کنشگر علمی به مبادله اطلاعات بپردازد و در خصوص تبادل اطلاعات علمی با همکاران خست نداشته باشد. بر این اساس، لازم است کنشگر علمی در مسیر سخاوت و خیراندیشی علمی برای همکاران از یافته‌های تحقیقاتی آن‌ها هوشمندانه استفاده کند و از حمایت همکاران دانشگاهی برخوردار باشد. همچنین به مبادله آزادانه و اطلاعات علمی مبادرت ورزد و به توسعه دانش به نفع انسان‌ها و جامعه اعتقاد داشته باشد.

خنیفر و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهش خود به نقل از قراملکی عنوان کردند که پرداختن به پژوهش بدون احراز شرایط لازم و کافی امری غیراخلاقی است. این اصل در همه حرفه‌ها صادق است. پژوهش غیرحرفه‌ای نه تنها به تولید علم و توسعه آن یاری نمی‌رساند، بلکه سبب حیرت و سرگشتگی محقق می‌شود.

بیسوگنو و همکاران^۱ (۲۰۱۸)، نیز ضمن تأکید بر اهمیت سیاست‌های پژوهشی در دانشگاه‌ها، بر تأسیس مراکز تحقیقاتی یا پژوهشکده مشترک با صنایع و اجرای طرح‌های تحقیقات مشترک با صنعت، جهت اثربخشی این‌گونه ارتباطات اشاره دارد.

لیال فیلهو و همکاران^۲ (۲۰۱۸)، نیز بر اهمیت جهت‌گیری مناسب در فعالیت‌های واحد پژوهشی در دانشگاه‌ها اشاره داشته و بیان می‌کنند که اگر این جهت‌گیری وجود نداشته باشد، تنها می‌توان شاهد اقدامات پراکنده و فاقد هم‌افزایی بود. سیاست‌گذاری پژوهشی در این خصوص در قالب ارتباط موفق صنعت با دانشگاه، باهدف تسهیل ارتباطات و انتشار آن، خصوصاً از طریق جریان پژوهشی در بین نهادهای مختلف صورت می‌گیرد (غلامی، ۱۳۹۷). پکوراری و پتريک^۳ (۲۰۱۴)، در تحقیق خود از سرقت علمی به‌عنوان یک مسئله در نقض قوانین آکادمیک یادکردند که نیاز به بررسی از دیدگاه قانونی دارد.

هلجاسن و اریکسون^۴ (۲۰۱۴)، در تحقیقی با عنوان سرقت ادبی در تحقیق، سرقت ادبی را یک مشکل بزرگ برای تحقیق دانستند. آن‌ها معتقدند دیدگاه‌های متفاوتی درباره چگونگی تعریف کردن سرقت ادبی و اینکه چه چیز سرقت

^۱ Bisogno & et al.

^۲ Leal Filho & et al.

^۳ Pecorari & Petric

^۴ Helgesson & Eriksson

ادبی را سزاوار سرزنش می‌سازد، وجود دارد. در این مقاله محققین مفهوم سرقت ادبی را مورد بررسی قرار دادند و در مورد سرقت ادبی در تحقیقات بحث می‌کنند. آن‌ها پیشنهاد کردند که سرقت ادبی باید توسط محصول فکری دیگران مثل (متون، ایده‌ها و یا نتایج) درک شود و در نتیجه دلالت بر تعریف مناسب و مفید دارد. آنچه که سرقت ادبی را سزاوار سرزنش قرار می‌دهد آن است که اعتبار علمی را از بین ببرد یا تحریف کند. علاوه بر این، سرقت ادبی عمدی شامل عدم صداقت می‌شود و تعدادی عواقب منفی بالقوه در سرقت ادبی وجود دارد.

هنینگ و هلسنس^۱ (۲۰۱۹)، در تحقیق خود عنوان کردند که سرقت ادبی به یک نگرانی بزرگ در برنامه‌نویسی (هم در موضوع آموزش و هم در صنعت توسعه نرم‌افزار) تبدیل شده است. چراکه با ادعای کشف سرقت ادبی، روش‌های تقلب نیز تکامل یافته است و درحالی‌که تلاش‌های زیادی در زمینه کشف سرقت ادبی صورت گرفته است، بیشتر این موارد بر کشف سرقت ادبی در متن ساده متمرکز شده است.

با نگاهی به سابقه پژوهش و کار پژوهشی در ایران، خواهیم دانست که کشورمان در این حوزه، جایگاه مناسبی ندارد. توجه به آمار تعداد محققان کشور، سهم بودجه در نظر گرفته شده برای پژوهش، تعداد مراکز تحقیقاتی و... در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، نشان از لزوم تدبیر هرچه بیشتر مسئولان در این باره دارد. متأسفانه در ایران، فرهنگ پژوهش برخلاف فرهنگ آموزش، گسترش نیافته و نهادینه نشده است (افشار، ۱۳۹۱).

با وجود اهمیت اثربخشی پژوهش‌ها، شواهد زیادی حاکی از آن است که این پژوهش‌ها در مجموع، در توسعه جامعه، اثربخشی بسیار ضعیفی داشته‌اند. برای مثال، با وجود اینکه در دنیا و نیز در کشور ترکیه به ازای هر "یک درصد رشد در تعداد مقالات تألیف شده"، "تولید ناخالص داخلی" به ترتیب ۷ درصد و ۱ درصد افزایش داشته، این نسبت در ایران تنها ۰٫۳ درصد بوده است (احسانی و همکاران، ۱۳۹۶).

حضور پژوهشگران متخصص در حوزه پژوهشی موردعلاقه و تخصص خود و اولویت‌بندی موضوعات برای پژوهش در دستیابی به اهداف تحقیق و پژوهش که همان حل مشکلات و رفع نیازهای واقعی و اقتضانات کشور است، بسیار مؤثر است. عصاره و همکاران (۱۳۹۶)، در تحقیق خود اشاره دارند که آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی در ایجاد گرایش و سیاست‌گذاری تولیدات علمی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور نقش اساسی دارد و در تنظیم آن باید نیازها و اولویت‌های کشور مورد توجه قرار گیرد. شرایط ارتقای اعضای هیئت علمی باید از تک‌محوری (تولید مقاله) به چند محوری (اختراع، نوآوری، تألیف کتاب، همکاری‌های بین‌المللی و فعالیت‌هایی که

^۱ Henning & Hellesnes

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۴۷

منجر به حل مشکلات و معضلات در حوزه‌های گوناگون، نوآوری و کارآفرینی در سطح کشور می‌شوند) تغییر یافته و از توجه صرف به چاپ مقاله خودداری شود.

الزام دانشجویان تحصیلات تکمیلی به چاپ و پذیرش مقالاتشان در مجلات معتبر به اسم دانشگاه محل تحصیل فرد جهت فارغ‌التحصیلی، اجبار تعدادی از اساتید به دانشجویان برای چاپ مقاله در مجلات به اسم آن‌ها، نمونه‌ای از مشکلات "پژوهش" در نظام آموزش عالی کشور است (طالعی فر، ۱۳۹۷).

در مجموع تحقیقات گسترده‌ای در خصوص اخلاق پژوهش، بررسی اصول و کدهای اخلاقی مورد نیاز برای انجام پژوهش و بررسی موانع انجام پژوهش از دیدگاه اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، انجام شده است. در مرور مطالعات مشاهده می‌شود که در خصوص علل بروز کژ کارکرد در حوزه پژوهش، هریک به صورت مجزا به عللی از عوامل بروز این پدیده پرداخته‌اند و علی‌رغم اهمیت موضوع، مطالعات جامعی که بادی کلان در این خصوص انجام پذیرفته باشند، بسیار اندک است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی و با رویکرد تحلیل محتوا انجام شد. روش‌شناسی کیفی به راهبردهای تحقیقی مانند مشاهده یا مشارکت، مصاحبه عمیق، مشارکت کامل در فعالیت مورد تحقیق، کار میدانی^۱ و ... اشاره دارد که به محقق اجازه می‌دهد تا اطلاعات دست‌اول در مورد جهان اجتماعی مورد بررسی به دست آورد. روش‌شناسی کیفی به محقق اجازه می‌دهد تا به داده‌ها نزدیک شود و از آن طریق جنبه‌های تحلیلی^۲ و مفهومی^۳ تبیین را از خود داده‌ها به دست آورد. به جای اینکه از فنون انعطاف‌ناپذیر^۴ کمی از پیش تعیین شده استفاده کند که جهان اجتماعی را به صورت تعاریف عملیاتی^۵ که خود محقق ساخته است، درآورد، تحقیق کیفی به منظور درک پدیده‌های اجتماعی انجام می‌شود. در این پژوهش با توجه به مفروضات اساسی و زیر بنایی رویکرد کیفی در پژوهش، تعداد نمونه پیش از اجرای تحقیق تعیین نشده و فرایند نمونه‌گیری تا زمانی ادامه پیدا نمود که نوعی اشباع اطلاعاتی حاصل شود. در این تحقیق

^۱ Field work

^۲ Analytical

^۳ Conceptual

^۴ Rigid

^۵ Operational definitions

به روش نمونه‌گیری هدفمند مورد استثنائی و مورد نوعی، تعدادی از صاحب‌نظران در حوزه پژوهش انتخاب و سپس از طریق نمونه‌گیری گلوله برفی، تعداد بیشتری از اطلاع‌رسان‌ها گزینش شدند. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق و نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شد. مشارکت‌کنندگان پژوهش، سیاست‌گذاران، صاحب‌نظران و مطلعان کلیدی حوزه پژوهش در دانشگاه‌های دولتی اعم از اعضای هیئت‌علمی فعال و مشهور در امر پژوهش (پژوهشگران برتر ملی و دانشگاهی)، معاونان پژوهشی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های دولتی، مدیران و تصمیم‌سازان حوزه پژوهش در ستاد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مدیران مرتبط به مبحث تخلفات علمی و دانشگاهی بودند. به‌طوری‌که تعداد مشارکت‌کنندگان به ۲۲ نفر رسید که از بین آن‌ها ۱۱ نفر جزء سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران در حوزه پژوهش، ۳ نفر از معاونین پژوهشی دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و ۸ نفر از اعضای هیئت‌علمی فعال در امر پژوهش بودند. با انجام مصاحبه‌های عمیق به بررسی دقیق علل بروز کژ کارکردی پژوهش پرداخته شد و با پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و مقایسه مداوم داده‌ها، مفاهیم از درون آن‌ها خارج و در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. برای آنکه وقایع، ایده‌ها و رویدادهای مشابه در یک واحد یا یک دسته گروه‌بندی شوند، مفهوم‌سازی که همان انتخاب یک نام برای هر رویداد یا اتفاق است، با کاوش عمیق در یک جمله، سطر، پاراگراف و صفحه انجام و به هرکدام از آن‌ها یک مفهوم یا کد الصاق شد. در مجموع ۲۹۳ کدباز اولیه استخراج شد و در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله‌ای واحد قرار گرفت؛ بنابراین داده‌ها (کدها - مفاهیم) در قالب ۱۷۲ کد نهایی نمایش داده شد. اطلاعات اولیه مشارکت‌کنندگان در پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

شماره مصاحبه	سمت سازمانی / سوابق اجرایی مشارکت‌کنندگان
۱۱	رئیس پژوهشگاه
۲۲	عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران
۱	معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (سابق)
۱۸	رئیس مؤسسه پژوهشی
۱۹	عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی
۴	عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس
۱۴	نخستین دانشمند بین‌المللی ایران در شاخه علوم اجتماعی
۲	پژوهشگر برتر سال ۱۳۹۵
۹	پژوهشگر برتر سال ۹۳
۳	عضو هیئت‌علمی دانشگاه تهران
۷	معاون پژوهشی پژوهشگاه
۵	معاون پژوهشی پژوهشگاه
۱۵	مسئول هماهنگی هیئت‌های انتظامی اعضای هیئت‌علمی
۱۶	پژوهشگر برتر استان البرز در سال ۱۳۹۴
۱۳	رئیس سابق شهرک علمی و فناوری اصفهان
۲۱	عضو هیئت‌علمی مؤسسه پژوهشی
۲۰	معاون پژوهشی دانشگاه
۱۷	عضو هیئت‌علمی مؤسسه پژوهشی
۶	معاون مرکز نظارت و ارزیابی آموزش عالی
۱۰	مشاور رئیس مرکز در امور هیئت‌های ممیزه
۸	عضو هیئت‌علمی دانشگاه تربیت مدرس
۱۲	همکار طرح نظارت و ارزیابی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

جدول ۱: مشارکت‌کنندگان در پژوهش

روش تحلیل محتوای کیفی (استقرایی) روشی است که در آن پژوهشگر بدون متأثر بودن از نظریه یا چارچوب نظری از پیش تعیین شده به طور مستقیم به تحلیل متن می پردازد. هدف، ارائه توصیفی دقیق پیرامون یک موضوع است. در این راستا، برای تحلیل داده های به دست آمده در بخش اول تحقیق از روش کدگذاری که نوعی راهبرد تقلیل و تحلیل داده ها است که در چارچوب آن داده های کیفی، تلخیص، طبقه بندی و مقوله بندی می شوند، استفاده شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده بر مبنای شیوه کار در راهبرد مذکور و به صورت کدگذاری باز^۱ و کدگذاری محوری^۲ صورت گرفت. منظور از کدگذاری فنونی هستند که استراوس و کوربین^۳ (۱۹۹۸) پیشنهاد کرده اند و شامل خرد کردن داده های برآمده از مصاحبه و یادداشت های ایجاد مفاهیم و مقوله ها و در کنار هم قرار دادن مقوله ها به شکلی است که به وضوح ارتباط بین مقوله ها با همدیگر را توجیه کند. کدبندی باز در دو مرحله کدبندی اولیه و کدبندی ثانویه صورت می گیرد. کدبندی اولیه می تواند با کدگذاری سطر به سطر، عبارت به عبارت یا پاراگراف به پاراگراف داده ها انجام شود. به هر کدام از آن ها یک مفهوم یا کد الصاق می شود. در کدگذاری ثانویه با مقایسه مفاهیم، موارد مشابه و مشترک در قالب مقوله ای واحد قرار می گیرد؛ بنابراین انبوه داده ها (کدها - مفاهیم) به تعداد مشخص و محدودی از مقوله های عمده کاهش می یابد. سپس این مقوله ها در کنار یکدیگر قرار گرفته و به هم ارتباط می یابند. (محمد پور، ۱۳۹۲: ۱۰۱)

چارچوب مفهومی پژوهش مبتنی بر تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده از مصاحبه است که مشتمل بر استخراج کدها - مفاهیم و یافتن ارتباط بین آن ها (مقولات فرعی) و در نهایت مفهوم سازی آن (مقولات کلی) به شرح شکل شماره ۱ می باشد.

^۱ Open coding

^۲ Axial coding

^۳ Strauss & Corbin



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

چهار معیار برای اطمینان و مقبولیت مطالعات کیفی توسط گوبا و لینکن^۱ (۱۹۸۵) پیشنهاد شده است که عبارت‌اند از: قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال‌پذیری، قابلیت اطمینان و تأیید پذیری. قابلیت اعتبار داده‌ها با روش بازبینی توسط استاد راهنما و همچنین با استفاده از تکنیک مثلث‌سازی و استفاده از منابع سه‌گانه داده‌ها شامل پژوهشگران برتر، سیاست‌گذاران و متخصصان آموزش عالی و معاونین پژوهشی دانشگاه‌ها مصاحبه به عمل آمد تا دیدگاه‌های مختلف بررسی شده و داده‌های جامع‌تر و عمیق‌تری در خصوص کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی حاصل شود. در این پژوهش استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و تلاش برای دستیابی به داده‌های غنی، امکان انتقال‌پذیری یافته‌های پژوهش را افزایش می‌دهد. نحوه گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های عمیق بود و با درگیری طولانی‌مدت با داده‌ها، دسته‌بندی و مفهوم‌سازی آنها انجام شد تا معیار تأیید پذیری نیز رعایت شود. برای قابلیت اطمینان نیز درصد توافق کدگذاری داخلی^۲

^۱ Guba & Lincoln

^۲ Intercode Agreement

موردتوجه قرار گرفت. به این منظور یک مصاحبه در اختیار دو نفر قرار می‌گیرد تا میزان توافق آن‌ها در کدگذاری به دست آید که برای تعدادی از مصاحبه‌ها این موضوع انجام پذیرفت.

یافته‌ها

بر اساس تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، داده‌ها (کدها - مفاهیم) در قالب ۱۷۲ کد نهایی نمایش داده شد. رویدادها یا اتفاقاتی که به عنوان شرایط علی بر پدیده کژ کارکردی‌های پژوهش تأثیر می‌گذارند، با تحلیل و تقلیل مقوله‌ها به شرح جدول شماره ۲ در ۸ مقوله کلی و ۲۳ مقوله فرعی ارائه شده‌اند. در این جدول به منظور ایجاز به نمونه‌هایی از کدهای نهایی در خصوص هر مقوله اشاره شده است.

مقوله کلی	مقوله فرعی	فراوانی کدها
مشکلات ساختاری موجود	عدم نظام‌مندی مدیریت پژوهش	۸
	سیاست‌گذاری نادرست در امر پژوهش	۹
	توسعه بی‌رویه آموزش عالی	۴
	اشکال در زیرساخت‌های موجود	۱۰
	بودجه دولتی پژوهش	۴
مأموریت گرانبودن دانشگاه	مغفول ماندن رسالت پژوهش دانشگاه	۸
	توده‌گرایی به جای نخبه پروری	۶
ضعف ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه	عدم وجود نظام عرضه و تقاضا	۹
	ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت	۱۶
ضعف نظام ارزیابی	ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه	۷
	مشکلات نظام کیفی	۷
	نقش ضعیف هیئت ممیزه در ارتقای اعضای هیئت علمی	۵
	عدم وجود ملاک‌های اثربخش در شاخص‌های ارزیابی	۱۴

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۵۳

پژوهش		
مقاله گرایی	مزیای نگارش مقاله	۱۵
	الزام نگارش مقاله	۶
نظام نادرست پذیرش	عدم شایسته‌سالاری در جذب اعضای هیئت علمی	۴
دانشجو و جذب هیئت علمی	نظام نادرست پذیرش دانشجوی تحصیلات تکمیلی	۹
افت معیارهای جامعه علمی	عدم آگاهی به اخلاق علمی	۳
	افت شرافت دانشگاهی	۷
	رویکرد درآمدزایی از تحقیق	۶
	الگوگیری از مافوق در کم‌کاری	۳
ضعف ساختار قانونی	عدم وجود قانون متقن	۹
	عدم آگاهی به قانون	۳

جدول ۲: مقوله‌های حاصل از کدگذاری

در ادامه، تشریح هر یک از علل بروز کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران، با ذکر نقل قول‌هایی از مشارکت‌کنندگان آورده شده است.

الف. مشکلات ساختاری موجود

۱. عدم نظام‌مندی مدیریت پژوهش: فقدان منشوری از نیازهای پژوهش در کشور، عدم تناسب پژوهش با نیازهای واقعی جامعه و صنعت، در اختیار قرار ندادن بودجه پژوهش و منابع مالی مناسب به پژوهشگر، ضعف آیین‌نامه طرح‌های پژوهشی در بحث نظارت بر طرح‌ها، عدم ارزیابی تأثیر طرح‌های پژوهشی و ... نشان می‌دهد که نظام مدیریت پژوهش در مراحل نیازسنجی، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی دچار مشکل است. مشارکت‌کننده شماره ۷ بیان می‌دارد که " ما برنامه پژوهشی نداریم اگر هم برنامه و نقشه راهی وجود داشته باشد، الزام به انجام آن و نظارت و پایش نداریم".

۲. سیاست‌گذاری نادرست در امر پژوهش: سیاست‌های توسعه و پژوهش مثل نقشه جامع علمی کشور، کسب مقام اول در منطقه و ... کمیت‌گرا هستند. همچنین سیاست‌گذاران پژوهش هنوز به وجود کژ کارکردی در حوزه پژوهش باور ندارند. مشارکت‌کننده شماره ۲ اعتقاد دارد که "سیاست روشنی در آموزش عالی نداریم. نمونه بارز آن گسترش تربیت تحصیل‌کرده‌ها و گسترش آموزش در سطح بسیار گسترده است؛ بدون اینکه متناسب با نیازهای کشور باشد.

۳. توسعه بی‌رویه آموزش عالی: زمانی دانشگاه‌ها بر اساس نیازهای استخدامی ادارات دولتی ایجاد شدند و با همان انگیزه، نیروها را تربیت می‌کردند؛ بعدها که سیستم تغییر یافت، به دلیل وجود تقاضای کاذب این روند ادامه پیدا کرد و بدون توجه به آمایش آموزش عالی و بررسی نیاز جامعه، تعداد دانشگاه‌ها افزایش یافته است. مشارکت‌کننده شماره ۱۷ بیان داشته است "خروجی دانشجوی زیاد است ۲۵۰۰ شعبه دانشگاهی داریم که مازاد کشور خروجی تولید می‌کند و هر کس می‌خواهد در حوزه تحصیلی خود فعالیت کند و نمی‌تواند کارگری کند؛ در نتیجه وقتی برای یک پایان‌نامه فوق‌لیسانس ۵ میلیون به او می‌دهند و انجام این کار برایش خیلی ساده است بنابراین این داستان را دنبال می‌کند!"

۴. اشکال در زیرساخت‌های موجود: وجود سیستمی با زیرساخت‌های درست برای ثبت موضوعات پژوهشی، بررسی سرعت علمی و داده‌سازی و ... ضروری است. برای انجام پژوهش به یک سری امکانات سخت‌افزاری و نرم‌افزاری نیاز است. زیرساخت تکنولوژیک پژوهش از جمله آزمایشگاه‌های مجهز، منابع مالی، فضای اطلاعات و اطلاع‌رسانی، مقالات و ... در کشور بسیار ضعیف است. بر اساس نظر مشارکت‌کننده شماره ۶ "در جامعه‌ای مثل ایران به لحاظ نبود زیرساخت فناوری اطلاعات و به لحاظ نبود شفافیت و اینکه این رفتارها در سیستمی که حجم عظیمی از اطلاعاتی که وجود دارد، لایه‌های پنهانی را ایجاد می‌کند و فقط مقاله نیست بلکه بخش عمده‌ای از طرح‌ها و پروژه‌های دانشگاهی و دستگاه‌های اجرایی کپی است!"

۵. بودجه دولتی پژوهش: اولین متقاضی هر نوع صنعتی در ایران دولت است؛ در ایران بازار آزاد به معنای واقعی وجود ندارد و بزرگ‌ترین تقاضاکننده اقتصاد، دولت است پس بودجه پژوهش را نیز دولت تعیین می‌کند. مسئله این است که وقتی بودجه پژوهش کم است و اقتصاد کشور نمی‌تواند بودجه مناسبی برای آن تأمین کند، عضو هیئت‌علمی هم حتی اگر بخواهد کارش را درست انجام دهد، نمی‌تواند. از طرفی درصدی از بودجه پژوهش در جاهایی خرج می‌شود که به پژوهش ربطی ندارد. مشارکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید "بودجه پژوهشی کجا خرج می‌شود؟ بودجه‌ها همه خرج می‌شود و به خزانه هم بر نمی‌گردد. چرا؟ چون مدرک‌سازی می‌شود. بودجه را طوری

می‌نویسند که ناظر و مجری یکی باشد؛ بنابراین بودجه مصرف می‌شود اما برای پژوهشی که وجود ندارد؛ پس اینجا در پژوهش هم سندسازی داریم".

ب. مأموریت گرانبودن دانشگاه

۱. مغفول ماندن رسالت پژوهشی دانشگاه: دانشگاه‌ها در کنار آموزش و تربیت نیروی انسانی به امر پژوهش نیز اهتمام دارند. مدت‌زمان زیادی نیست که تعدادی از دانشگاه‌ها پژوهش محور شده‌اند و بقیه هنوز آموزش محورند. دانشگاه‌ها حداکثر در نسل ۲ هستند یعنی از آموزش به سمت پژوهش رفته‌ایم اما در پژوهش هم مشکل داریم. اهمیت جدی برای پژوهش و پژوهشگر قائل نیستیم. دانشگاه‌ها خروجی پژوهشی مناسبی ندارند و تمایل برای اینکه پروژه‌ها به سمت دانشگاه برود کمتر است. از طرفی دانشگاه انتظار دارد صنعت به دانشگاه پیشنهاد پروژه دهد که این موضوع مستلزم یک زیست همه‌جانبه با صنعت است تا به تقاضا منجر شود که در عمل اتفاق نمی‌افتد. مشارکت‌کننده شماره ۴ به آماری اشاره دارد که "دانشگاه‌های سطح ۱ که ۱۳ دانشگاه هستند، پژوهش محورند".

۲. توده‌گرایی به جای نخبه پروری: اینکه افراد با چه رقابتی و به چه شکلی وارد دانشگاه می‌شوند مهم است. با افزایش نجومی دانشجویان تحصیلات تکمیلی، تعریف نخبه پروری و تعریف دانشگاه که فعالیت یک سری افراد برجسته در آن است، از بین می‌رود. وقتی آموزش عالی از نخبه‌گرایی به سمت توده‌گرایی میل و گرایش پیدا می‌کند، پیامدهایی چون بروز بی‌اخلاقی‌ها و زیر پا گذاشتن هنجارهای آکادمیک به دنبال دارد. به نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۸ "بروز بداخلاقی‌های علمی و دور شدن از هنجارهای علمی یکی از پیامدها و یکی از اثرات جانبی حرکت ما از سوی نخبه‌گرایی به سمت توده‌گرایی است".

ج. ضعف ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه

۱. عدم وجود نظام عرضه و تقاضا: دانشگاه‌های ما باید مسئولیت اجتماعی داشته و جامعه‌محور باشند و پژوهش‌های تقاضامحور انجام دهند. برای انجام پژوهش تقاضامحور باید تقاضایی از جانب بازار، صنعت و یا از جانب اقتصاد باشد. همان‌طور که در حوزه اقتصاد نظام عرضه و تقاضا شکل گرفته و عرضه‌کننده کالا و خدمات خودش را با نیاز مشتری تطبیق می‌دهد و رضایت مشتری حرف اول را در کیفیت می‌زند، در حوزه علم و دانش و پژوهش هم باید بازار عرضه و تقاضا شکل گیرد. چرا نیروهای تقاضا درست عمل نمی‌کنند؟ چون اولین متقاضی هر نوع صنعتی در ایران، دولت است و مردمی که درگیر مسائل اولیه زندگی اشان می‌شوند دیگر مطالبه‌گر نیستند. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ در این خصوص نظر داشتند که "نظام آموزش عالی ماسال‌ها بدون مشتری کارکرده و هر

رشته‌ای و هر پژوهشی می‌خواسته عرضه کرده است؛ جامعه و صنعت نه سیگنال کیفیت به شما می‌دهد و نه سفارش به شما می‌دهد."

۲. ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت: دانشگاه نباید منتظر دریافت تقاضا از سوی صنعت باشد بلکه باید قدرت مذاکره و چانه‌زنی با صنعت داشته باشد و بتواند با صنعت ارتباط برقرار کرده و مذاکره کند. آسیب‌ها و مشکلات صنعت را تحلیل و مدیران صنعت را متقاعد به ارتباط با دانشگاه کند؛ بنابراین نیاز به تجدیدنظر در مدیریت دانشگاه داریم. صنعت را بیشتر در دانشگاه‌ها راه بدهیم و در کمیته‌ها، شوراها و در هیئت‌های امنا از آن‌ها کمک بگیریم؛ اما در داخل دانشگاه نسلی هستند که ارتباط با جامعه و صنعت را فرومایگی علمی می‌دانند. از طرفی اثربخش کردن و جهت‌دار کردن پژوهش صرفاً منوط به محقق نیست بحث ارتباط با صنعت نیز اهمیت دارد؛ صنعتی که قائل به تحقیق و توسعه (R&D) نیست به هیچ طریقی نمی‌توان با آن ارتباط برقرار کرد. مشارکت‌کننده شماره ۹ معتقد است "صنعت هم دانشگاه را قبول ندارد و دانشگاه را در برج عاج می‌بینند که تئوری پردازی می‌کند، نظریه‌پردازی می‌کند و با واقعیت‌های روز انطباق ندارد؛ بنابراین دو طرف همدیگر را قبول ندارند."

۳. ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه: دانشگاه ارتباط نزدیک و ارگانیک و پویایی با جامعه و صنعت ندارد و در واقع این فرهنگ جا نیفتاده که دانشگاهی اگر قرار باشد روی پای خود بایستد باید به نیازهای واقعی جامعه پاسخ دهد. بازخوردی که از جامعه به دانشگاه منتقل می‌شود در پژوهش و آموزش تأثیر می‌گذارد اما در ایران این حلقه وجود ندارد و دانشگاه هم مثل بقیه عناصر جامعه، هویت بی‌تفاوت به جامعه پیدا کرده است و هرکس در آن به دنبال منافع شخصی خود است. نیازهای جامعه شناسایی و اولویت‌بندی و منتقل به پژوهشگران نمی‌شود. پیوند بین دانشگاه و بخش‌های دیگر جامعه تقریباً بریده است. درحالی‌که در همه جای دنیا دانشگاه‌ها حلال مشکلات بخش‌های دیگر کشور هستند. مشارکت‌کننده شماره ۱۱ سؤال می‌کند "پژوهش چگونه می‌تواند مشکلات جامعه را حل کند؟ زمانی که پژوهش از مشکلات جامعه نشأت بگیرد. به نظر من اینکه دانشگاه‌ها رفتار تقاضاگرایانه داشته باشند موکول به این است که جامعه هم رفتار تقاضاگرایانه داشته باشد."

د. ضعف نظام ارزیابی

۱. مشکلات نظام کیفی: کیفی‌گرایی در فرهنگ‌هایی مثل فرهنگ ما که در آن فرهنگ تعارف، رودربایستی، جانب‌داری و پارتی و ... وجود دارد، کار بسیار سختی است. کیفی‌گرایی در نظام ارتقای اعضای هیئت‌علمی به‌خصوص برای حجم زیاد پرونده‌های قابل‌بررسی، بسیار سخت و زمان‌بر است؛ بنابراین چون شاخص‌های کیفی

^۱ Research and Development

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۵۷

به راحتی قابل سنجش نیستند، به سمت کمی کردن شاخص‌ها رفته‌ایم. همان‌طور که مشارکت‌کننده شماره ۲۰ اشاره نموده است " در نظام ارزیابی برای ارتقای عضو هیئت‌علمی، باید پرونده‌اش را بررسی کنیم اگر این نظام به صورت متناسب باشد یعنی دانشگاه با ۵ الی ۱۰ پرونده مواجه باشد نه با ۱۰۰ الی ۵۰۰ پرونده، می‌توان از شاخص‌های کیفی استفاده کرد؛ اما وقتی که تعداد زیاد باشد مطمئناً مجبور می‌شویم سراغ کمی‌گرایی برویم".

۲. نقش ضعیف هیئت ممیزه در ارتقای اعضای هیئت‌علمی: در آیین‌نامه ارتقا حداقل‌ها مطرح شده است. آیین‌نامه ارتقا از اعضای هیئت‌علمی می‌خواهد که این حداقل‌ها را رعایت کنند؛ اما خارج از این حداقل‌ها می‌توانیم در بخش‌های دیگری نیز ارزش‌گذاری کنیم و آن‌ها را به رسمیت بشماریم. مثل میزان تأثیرگذاری در توسعه منطقه‌ای و ...؛ اما متأسفانه هیئت ممیزه‌ها به این موضوع اعتقاد ندارند. به بیان مشارکت‌کننده شماره ۱۳ " در آیین‌نامه ارتقا موضوع "شاخص تأثیرگذاری" مطرح نشده است ولی برای یک هیئت‌علمی که حداقل‌ها را دارد این شاخص را نیز مطرح می‌کنند؛ بنابراین عضو به سمت ساختن این شاخص می‌رود همان‌طور که در Google می‌توان جستجو کرد که "How do increase your H index?" الآن وزن سنگین ارزش‌ها انتشار مقاله است. هیئت ممیزه که مجری این موضوع است نیز در همین کانال قرار دارد و به هیچ ارزش دیگری بها نمی‌دهد".

۳. عدم وجود ملاک‌های اثربخش در شاخص‌های ارزیابی پژوهش: شاخص‌های ارزیابی پژوهش از تنوع بسیاری برخوردار است که اکثر آن‌ها کمی شده‌اند. در نظر نگرفتن اثربخشی پژوهش، اهمیت ندادن به نتیجه واقعی پژوهش و میزان اثرگذاری و منشأ تغییر بودن آن، موجب شده است که صورت‌گرایی و فرمالیسم روشی از اهمیت بیشتری در ارزیابی پژوهش برخوردار باشد. به نظر مشارکت‌کننده شماره ۶ " به لحاظ نبود زیرساخت فناوری اطلاعات و نبود شفافیت، ابزار کار روی شاخص‌ها را نداریم بلکه وارد یک سری سنج‌ها می‌شویم تا کلیت پژوهش را ارزیابی کنیم ". بی‌توجهی به خروجی مناسب پژوهش و اثربخشی آن (از جمله برطرف کردن نیاز صنعت، برطرف کردن چالشی در کشور، اثرگذاری اجتماعی و تولید محصول و ...) از اشکالات آیین‌نامه ارتقا به شمار می‌آید که پژوهشگر را در مسیری غیر از موضوعات اثربخش قرار می‌دهد. از دید مشارکت‌کننده شماره ۱۳ " شاه‌کلید کارکرد درست در پژوهش این است که ارزش را به اثربخشی بدهیم و به جای ضریب تأثیر^۲، تأثیر واقعی^۳ را در نظر بگیریم".

^۱ H index

^۲ impact factor

^۳ really impact

هـ مقاله گرایی

۱. مزایای نگارش مقاله: اعضای هیئت علمی و دانشجویان در نظامی قرار گرفته‌اند که برای پیشرفت، ارتقا، رشد و کسب مرتبه علمی بالاتر برای اعضای هیئت علمی و یا برای گرفتن مدرک ارشد و دکترا، معافیت از سربازی و یا اینکه بتوانند در نظام نخبگی وارد شده و از مزایای آن استفاده کنند برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، باید تولید علمی داشته باشند. به‌رحال همه این موارد به‌اندازه کافی انگیزه برای اینکه افراد مرتکب جرم یا ناهنجاری شوند، ایجاد می‌کند. به بیان مشارکت‌کننده شماره ۶ " در جامعه‌ای که ارزش‌ها دگرگون می‌شود، فرد به هر ترتیبی می‌خواهد مقاله بنویسد و آن مقاله برایش امتیازاتی به همراه بیاورد."

۲. الزام نگارش مقاله: توسعه بی‌رویه دانشگاه‌ها، افزایش هیئت علمی و افزایش دانشجویان رده تحصیلات تکمیلی را که با پژوهش و تولید علم سروکار دارند به دنبال داشته است. دانشجوی تحت فشار است برای دفاع از رساله، مقاله بدهد و به بیان مشارکت‌کننده شماره ۶ " آیین‌نامه ارتقا هم از بسترهای به‌اصطلاح قانونی است که به‌درستی ترسیم نشده و باعث شده که یک پژوهشگر و یا یک عضو هیئت علمی را به سمتی ببرد که فقط مقاله بنویسد". وزن سنگین مقاله در ارزشیابی، وجود شاخص‌های مرتبط با نتایج مستقیم پژوهش، عدم امتیاز به حل مشکل، منظور نکردن امتیاز به ارائه‌دهنده موضوع پژوهش، آیین‌نامه انعطاف‌ناپذیر و ... از اشکالات آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی می‌باشد؛ با توجه به آنکه رکود علمی در مواردی به برآورده نشدن تدوین مقاله ارتباط داده می‌شود، اعضای هیئت علمی برای ارتقا و عدم رکود علمی می‌بایست از شاخص‌های امتیازآور آیین‌نامه مذکور تبعیت کنند و به سمت تولید مقاله و در مواردی به‌سوی کژ رفتارها سوق پیدا می‌کنند.

و- نظام نادرست پذیرش دانشجو و جذب هیئت علمی

۱. عدم شایسته‌سالاری در جذب اعضای هیئت علمی: جذب تعداد زیاد اعضای هیئت علمی با معیارهای جدید استخدام و بدون توجه به هنجارهای آکادمیک، معیارهای علمی، تفکر نقادانه، روحیه پرسشگری و پایبندی به اصول اخلاقی، موجب شده است اصل شایسته‌سالاری در جذب اعضای هیئت علمی نادیده گرفته و از علل بروز کژ کارکردی شمرده شود. مشارکت‌کننده شماره ۱۴ بیان می‌دارد " شرافت دانشگاهی در ایران خصوصاً در یک الی دو دهه اخیر افت پیدا کرده و کم‌رنگ شده است چراکه معیارهای استخدام تغییر کرده و به‌جای معیارهای علمی چیزهای دیگری را دخالت دادند و نیروهایی که شایسته نبودند وارد دانشگاه شدند."

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۵۹

۲. نظام نادرست پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی: مدرک‌گرایی موجب می‌شود افراد بی‌کیفیت که شهروند اصلی دانشگاه نیستند و در اصطلاح حاشیه‌نشین هستند، وارد دانشگاه شوند که این موضوع فساد و بی‌اخلاقی و زیر پا گذاشتن هنجارها را به وجود می‌آورد. به نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۰ "دانشجوی ضعیف در یک مرکز آموزش عالی ضعیف، برای اینکه رفع تکلیفی کرده باشد، موضوع تحقیق را نپخته کار می‌کند و تبدیل به یک مقاله می‌کند". دانشجویان تحصیلات تکمیلی موتور محرک پژوهش و انتشار مقالات هستند بنابراین چگونگی پذیرش آنان از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ رویکرد کمی جذب دانشجوی تحصیلات تکمیلی با افزایش ظرفیت دانشگاه‌ها اتفاق می‌افتد. دوره‌های تحصیلات تکمیلی دانشگاه‌های خوب دنیا عمدتاً گزینش محور هستند. به این معنا که صنعت مسئله‌ای را برای دانشگاه تعریف کرده و استاد راهنما بر اساس تقاضایی که از صنعت می‌آید، دانشجو می‌پذیرد؛ اما در کشور ما، اول دانشجو جذب می‌کنیم بعد دنبال موضوع می‌گردیم. مشارکت‌کننده شماره ۲۰ در این خصوص می‌گوید "در نظامی که از اول بر مبنای نیاز تکنولوژیک یا علمی شکل گرفته باشد مثل کشورهای آمریکایی و اروپایی، با گزینش دانشجوی دکترا را اداره می‌کنند و برای گرفتن این گزینش استاد باید موضوعی را که به اندازه کافی ارزشمند باشد، پیشنهاد دهد؛ بنابراین پروژه متناسب با نیاز تعریف می‌شود؛ در نتیجه احتمال اصالتش هم بیشتر است".

ز. افت معیارهای جامعه علمی

۱. عدم آگاهی به اخلاق علمی: اخلاق دانشگاهی از مسائل مهم دانشگاه است که از اخلاق عمومی جامعه جدا نمی‌باشد. دانشگاهیان باید الگوی اخلاق در جامعه باشند اما در مواردی به دلیل عدم آگاهی به مصادیق تخلف و جایگاه قانونی آن، رفتاری به‌دوراز اخلاق آکادمیک دارند. به بیان مشارکت‌کننده شماره ۱۷ "ممکن است حتی تقلب ناآگاهانه باشد، یعنی استاد اصلاً نمی‌داند دزدی ادبی یعنی چه؟ مصادیق دزدی ادبی یعنی چه؟ نه دانشجو می‌داند و نه استاد می‌داند و نه مرکزی که به‌صورت سیستماتیک، این کار را دنبال می‌کند. در نتیجه فساد علمی، دزدی علمی و پدیده‌ای که در کشورهایی مثل ایران و چین زیاد است و هر روز هم زیادتر می‌شود و هیچ راهکاری هم برای مدیریت آن وجود ندارد، رخ می‌دهد".

۲. افت شرافت دانشگاهی: شرافت دانشگاهی رمز اخلاق علمی است که شامل استفاده، تولید و تبادل اطلاعات به روش اخلاقی، صادقانه و مسئولانه است؛ اما به بیان مشارکت‌کننده شماره ۱۴ "شما با شارلاتان‌های علمی مواجه هستید که پول می‌دهند، مقاله می‌نویسند؛ پول می‌دهند اسمشان اضافه شود و... که نتیجه‌اش این کژ کارکردی‌ها می‌شود".

۳. رویکرد درآمدزایی از تحقیق: افراد انتخاب عقلایی می‌کنند یا به‌بیان‌دیگر که در اقتصاد مصطلح است هزینه فایده می‌کنند. گفته می‌شود چقدر وقت برای این کار بگذارم و چقدر دریافت می‌کنم. به لحاظ مسائل رفاهی استاد دانشگاه خودش را با کارمند یک وزارتخانه مثل وزارت نفت و یا باکسی که در بازار فعالیت دارد، مقایسه می‌کند. اگرچه پول درآوردن از علم هدف نمی‌باشد ولی به‌رحال زندگی آن‌ها هم باید بگذرد؛ بنابراین در چند مرکز آموزش عالی تدریس می‌کنند، چندین پروژه می‌گیرند و ...

از طرفی فارغ‌التحصیلان مدرک دکتر که موقعیت استخدام ندارند، از مهارت و توانایی مقاله‌نویسی و پایان‌نامه نویسی خود استفاده کرده و برای کسب درآمد این کار را برای دیگران انجام می‌دهند. به نظر مشارکت‌کننده شماره ۱۲ " رویکردهای جدید درآمدزایی بین پژوهشگران ایجاد شده است که موجب پایین آمدن کیفیت کار و تنزل شأن علم و پژوهش در جامعه می‌شود."

۴. الگوگیری از مافوق در کم‌کاری: وقتی خلافی از سوی مسئولین و اعضای هیئت‌علمی اتفاق می‌افتد، دانشجو هم جرأت این کار را پیدا می‌کند. البته مشارکت‌کننده شماره ۲ اشاره دارد که " ممکن است این اتفاق عمداً نیفتاده باشد، اما اگر حساسیت در مورد مقالاتی که اسم فرد در آن ذکر می‌شود وجود داشته باشد که خودش کارکرده باشد و یا زیر نظر او باشد، این اتفاق نمی‌افتد. در غیر این صورت، دانشجو جرأت می‌کند اسم استاد را هم در مقاله‌ای بگذارد که در آن تقلب علمی انجام پذیرفته است."

ح. ضعف ساختار قانونی

۱. عدم وجود قانون متقن: در سال ۱۳۹۴ لایحه‌ای با همکاری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برای جرائم تخلف علمی ارائه شد که در نهایت قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در آثار علمی در سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید؛ بنابراین طبیعی است که تا قبل از آن ساختارهای درست و زیرساخت‌های قانونی درست وجود نداشت. از طرفی با وجود قانون مذکور، نظام پیشگیری و مجازات کاملی نداریم و تا زمانی که زیر پا گذاشتن هنجارها، توجه نداشتن به حقوق دیگران، بی‌عدالتی و نابرابری در جامعه هزینه‌ای ندارد، بروز تخلف علمی در حوزه پژوهشی دور از انتظار نیست. مشارکت‌کننده شماره ۳ معتقد است " شرایط در ایران حالت انتخاب دارد یک سری از اساتید تقلب نمی‌کنند و یک عده انجام می‌دهند به دلیل اینکه سیستم نهادی و قوانین محکم حاکم نیست."

تأملی بر علل مؤثر بر بروز کژ کارکردهای پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران / ۶۱

۲. عدم آگاهی به قانون: عدم پیگیری دستگاه قضایی در اعلام جرم و آگاهی نداشتن بعضی از مؤسسات متخلف و عدم اطلاع‌رسانی مستمر قانون به جامعه به‌خصوص جامعه علمی کشور، موجب شده تا به مصادیق تخلفات پژوهشی و جرائم ارتکاب به آن آگاهی کامل وجود نداشته باشد. به بیان مشارکت‌کننده شماره ۱۸ در دانشگاه‌ها اصلاً نه اطلاع‌رسانی شده، نه اعضا توجیه شدند و نه اصلاً موضوع برای مردم باز شده است."

نتیجه‌گیری

دانشگاه نهادی علمی است و مهم‌ترین کارکرد آن تولید دانش است که از فعالیت‌های پژوهشی حاصل می‌شود. اهل علم که در جستجوی کشف حقیقت هستند در محیط دانشگاهی به دنبال موضوعات موردعلاقه خود، به نتایجی دست می‌یابند که حتی ممکن است مخالف عقاید یا افکار جامعه باشد؛ اما آنچه مسلم است محقق واقعی با تحقیق و حس پرسشگری و حقیقت‌طلبی در فرایند درست پژوهش قدم می‌گذارد و همواره دستیابی به هدف موردنظر را با رعایت اصول اخلاقی و حرفه‌ای، سرلوحه تلاش خود قرار می‌دهد. داشتن صداقت، شرافت و مسئولیت‌پذیری و رعایت اصول اخلاقی جامعه علمی - دانشگاهی باید الگوی عموم جامعه قرار گیرد؛ اما متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد کژ رفتاری از این صنف بوده‌ایم که با توجه به رسالت و مأموریت فرهنگی دانشگاه در کنار آموزش، پژوهش و خدمات اجتماعی آن، امری ناصواب و به‌دوراز شأن و منزلت و جایگاه اجتماعی این نهاد علمی است؛ بنابراین ضرورت بررسی علل بروز چنین رفتاری از جامعه علمی کشور احساس شد. تحقیق حاضر با بهره‌گیری از نظرات و تجربیات متخصصین امر پژوهش از جمله سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان حوزه پژوهش کشور و پژوهشگران برتر، به بررسی علل بروز این پدیده پرداخت؛ و با پیاده‌سازی کامل مصاحبه‌ها و مقایسه مداوم داده‌ها، مفاهیم از درون آن‌ها خارج و در قالب مقوله‌ها دسته‌بندی شدند. در مجموع ۲۹۳ کدباز اولیه استخراج شد که با تجمیع مفاهیم مشترک و حذف مفاهیم نامرتبط در قالب ۱۷۲ کد نهایی نمایش داده شد. شرایط علی در قالب ۲۳ مقوله فرعی و با تحلیل و تقلیل مقوله‌ها با ۸ مقوله کلی مشخص شد. بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه می‌توان بیان کرد که:

- مشکلات ساختاری موجود مجموعه‌ای از عوامل:
 - عدم نظام‌مندی مدیریت پژوهش
 - سیاست‌گذاری نادرست در امر پژوهش
 - توسعه بی‌رویه آموزش عالی،

- اشکال در زیرساخت‌های موجود
- بودجه دولتی پژوهش
- مأموریت گرا نبودن دانشگاه مجموعه‌ای از عوامل:
 - مغفول ماندن رسالت پژوهشی دانشگاه
 - توده‌گرایی به جای نخبه‌گرایی
- ضعف ارتباط دانشگاه، صنعت و جامعه مجموعه‌ای از عوامل:
 - عدم وجود نظام عرضه و تقاضا
 - ارتباط ضعیف دانشگاه با صنعت
 - ارتباط ضعیف دانشگاه با جامعه
- ضعف نظام ارزیابی مجموعه‌ای از عوامل:
 - مشکلات نظام کیفی،
 - نقش ضعیف هیئت ممیزه در ارتقای اعضای هیئت علمی
 - عدم وجود ملاک‌های اثربخش در شاخص‌های ارزیابی پژوهش
- مقاله‌گرایی مجموعه‌ای از عوامل:
 - مزایای نگارش مقاله
 - الزام نگارش مقاله
- نظام نادرست پذیرش دانشجو و جذب هیئت علمی مجموعه‌ای از عوامل:
 - عدم شایسته‌سالاری در جذب اعضای هیئت علمی
 - نظام نادرست پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی
- افت معیارهای جامعه علمی مجموعه‌ای از عوامل:
 - عدم آگاهی به اخلاق علمی
 - افت شرافت دانشگاهی
 - رویکرد درآمدزایی از تحقیق
 - الگوگیری از مافوق در کم‌کاری
- ضعف ساختار قانونی مجموعه‌ای از عوامل:

- عدم وجود قانون متقن

- عدم آگاهی به قانون

از علل بروز کژ کارکردی‌های پژوهش در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران می‌باشند؛ همان‌طور که در سند نقشه جامع علمی کشور (۱۳۹۲) عنوان شده است، "ساماندهی نظام مدیریت پژوهش کشور" از راهبردهای ملی برای توسعه علم و فناوری در کشور است؛ اما بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه با مشارکت‌کنندگان و تجزیه و تحلیل و مقایسه آن‌ها با یکدیگر می‌توان دریافت نظام مدیریت پژوهش در کشور ما به دلیل نداشتن برنامه مدون و نقشه راه و عدم الزام به اجرای برنامه‌های پژوهشی و همچنین مشخص نبودن نیازهای پژوهشی، دچار ضعف شده است. از دیگر یافته‌های این پژوهش ضعف در ارتباط بین دانشگاه، صنعت و جامعه است که در بروز کژ کارکردی‌های پژوهش مؤثر است. این یافته با نتایج توکل (۱۳۷۸) همسو است که "نهادی شدن پژوهش در دانشگاه‌ها و عدم استفاده مناسب از منابع و امکانات علمی - تحقیقاتی داخلی به دلیل فقدان ارتباط ارگانیک و مستمر با صنعت را از اهم مشکلات و تنگناها در بخش آموزش عالی برشمرده است. همچنین وزن سنگین مقاله در نظام ارتقای اعضای هیئت علمی و بی‌توجهی به خروجی مناسب پژوهش و نادیده گرفتن تأثیرگذاری اعضای هیئت علمی در توسعه منطقه‌ای نیز از اشکالات آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی است که از علل بروز کژ کارکردی‌های پژوهش به شمار می‌رود؛ در تحقیق عصاره و همکاران (۱۳۹۶) تغییر شرایط ارتقای اعضای هیئت علمی از تک‌محوری (تولید مقاله) به چند محوری و خودداری از توجه صرف به چاپ مقاله پیشنهاد شده است تا سبب گرایش اعضای هیئت علمی به انجام فعالیت‌های دیگر منطبق با نیاز جامعه و کشور شود. مقالات و تولیدات علمی عمدتاً از پایان‌نامه‌هایی است که به‌عنوان پژوهش‌های دانشگاهی هستند؛ رشد و پیشرفت کشور نیز درگرو پژوهش‌های علمی محیط‌های دانشگاهی است و به نقل از طالعی فر (۱۳۹۷) اولین و شاید مهم‌ترین مشکلات نظام آموزش عالی کشور در مقوله جذب است حال چه جذب دانشجو و چه هیئت علمی. این موضوع با نتیجه تحقیق حاضر نیز که نظام پذیرش دانشجو و جذب اعضای هیئت علمی را از دیگر عوامل بروز کژ کارکردی‌های پژوهش است می‌داند، همخوانی دارد. ایجاد گرایش به تدوین مقاله نیز یکی دیگر از مشکلات نظام آموزش عالی می‌باشد که یمنی (۱۳۹۷) در تحقیق خود از عدد و رقم تعداد مقاله به‌عنوان یکی از ترفندهایی که گاه دستیابی به آن، آثار مخرب در اخلاق دانشگاهی را به همراه دارد، نام برده است. بدیهی است با حذف اعتماد نسبت به اصالت آثار علمی، آثار علمی غیرقابل استناد می‌شوند و نمی‌توانند مبنای تصمیم‌گیری‌ها قرار گیرند؛ در نتیجه با کاهش کارایی تحقیقات،

تولید ثروت از پروژه‌های تحقیقاتی نیز انجام نمی‌شود؛ بنابراین همگام با ارتقای جایگاه ملی، منطقه‌ای و جهانی در تولید دانش، ارتقای کیفیت پژوهش‌ها نیز باید مورد توجه جدی قرار گیرد.

پیشنهادها

سرکوب ضد هنجار، لزوماً منجر به بروز هنجار نمی‌شود. قانون‌گذاری شتاب‌زده که در مواردی حتی از ویژگی‌های یک قانون خوب (قابلیت حل مسئله، داشتن ضمانت اجرایی و شفاف و صریح و قابل فهم بودن) نیز برخوردار نیست، مثل قانون پیشگیری و مقابله با تخلفات پژوهشی به‌تنهایی نمی‌تواند عامل بازدارنده این مشکل باشد. بر اساس یافته‌های حاصل از تحقیق، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. توجه دانشگاه به مسائل واقعی کشور از طریق تقویت ارتباط بین دانشگاه، جامعه و صنعت و هدایت رساله‌ها و پایان‌نامه‌های دانشگاهی برای حل مشکلات کشور؛
۲. افزایش بودجه پژوهشی به نسبت افزایش تولید ناخالص ملی و تنوع‌بخشی به منابع مالی دانشگاه با اولویت کسب ثروت از فعالیت‌های پژوهشی؛
۳. توجه به هنجارهای اخلاقی در کنار کارکردهای تکنیکی دانشگاه (شامل کارکرد آموزش و پژوهش و خدمات اجتماعی) و آموزش حقوق مالکیت فکری تا دانشگاه به یک‌نهاد بوروکراتیک تنزل پیدا نکند؛
۴. ایجاد بانک اطلاعاتی جامع پژوهش و استفاده از سامانه‌های مشابهت یاب و همانند جو؛
۵. استفاده از نیروهای متخصص برای تشکیل گروه‌های پژوهشی کارآمد و ارزیابی تأثیر پژوهش قبل، حین و پس از انجام پروژه‌های مطالعاتی؛
۶. جذب اعضای هیئت علمی با معیارها و هنجارهای آکادمیک و پذیرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی با رویکرد گرنت محور به این معنا که استاد راهنما بر اساس تقاضایی که از صنعت می‌گیرد، دانشجو می‌پذیرد؛
۷. اصلاح آیین‌نامه‌ها و قوانین و مقرراتی که موجب توسعه کمی گرایی و مدرک‌گرایی در آموزش عالی شده است از جمله آیین‌نامه ارتقای اعضای هیئت علمی و آیین‌نامه استخدامی اعضای غیر هیئت علمی؛
۸. توجه به سند آمایش آموزش عالی برای ساماندهی به وضعیت توسعه بی‌رویه مراکز آموزش عالی که می‌تواند موضوع پژوهش‌های بعدی قرار گیرد.

منابع

- احسانی، وحید، اعظمی، موسی، نجفی، سید محمدباقر، سهیلی، فرامرز (۱۳۹۶). قابلیت اثرگذاری پژوهش‌های فزاینده ایران بر توسعه کشور، پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات، دوره ۳۳ شماره ۱، ۵۴-۲۵.
- افشار، اسدالله (۱۳۹۱، ۲۳ آذر)، ضرورت و اهمیت پژوهش و جایگاه آن در جامعه، بازیابی شده در <http://www.tabnak.ir/fa/news/290998> از ۱۳۹۶/۱۰/۱۲
- امینی، انصارا (۱۳۹۵، ۱۳ آبان). تأملی بر حذف ۵۸ مقاله پژوهشگران ایرانی از مجلات دو ناشر. بازیابی شده در <http://www.scinews.ir/p=203995> از ۱۳۹۶/۱۰/۱۲
- توکل، محمد (۱۳۷۸). وضعیت آموزش عالی در ایران: واقعیت‌ها و چالش‌ها، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۱۸، ۱-۲۶.
- خنیفر، حسین، بردبار، حامد، فروغی قمی، فریبا (۱۳۹۰)، تبیین مؤلفه‌های اخلاقی و فرهنگی در پژوهش، مجله معرفت اخلاقی، سال دوم، شماره دوم، صفحه ۱۰۴-۸۵.
- طالعی، فریبا، رضا (۱۳۹۷)، آمارها دروغ می‌گویند: نقدی بر چرخ‌های پوسیده نظام آموزش عالی کشور <http://www.meshkinsalam.ir/?p=35994>
- عصاره، فریده، عقیقیان، فرزانه (۱۳۹۶)، نقدی بر آیین‌نامه ارتقاء اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی کشور، آسیب‌شناسی و ارائه راهکارها، فصلنامه نقد کتاب اطلاع‌رسانی و ارتباطات، سال چهارم، شماره ۱۵، ۲۱۳-۲۲۴.
- غلامی، زهرا (۱۳۹۷). طراحی و اعتبارسنجی مدل تبیین الگوی دانشگاه صنعت یار در ایران. پایان‌نامه دکترا، گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه خوارزمی.
- قراملکی، فرامرز، طاهری وحدتی، حسین (۱۳۹۶)، اخلاق پژوهش، مجله مشکوه، شماره ۱۳۴، صفحه ۱۳۵-۱۱۶.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی (منطق و طرح در روش شناسی کیفی)، تهران: جامعه‌شناسان.
- مرجائی، سید هادی (۱۳۹۵)، تبعیت دانشجویان از هنجارهای حرفه‌ای در پژوهش‌های دانشگاهی: مروری بر یافته‌های پیمایش ملی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۲۵، صفحه ۴۸-۲۵.
- مرجائی، سید هادی (۱۳۹۵)، تبعیت دانشجویان از هنجارهای حرفه‌ای در پژوهش‌های دانشگاهی: مروری بر یافته‌های پیمایش ملی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۲، شماره ۲۵، صفحه ۴۸-۲۵.

- مطلبی فرد، علیرضا (۱۳۹۵). شناسایی و اعتبارسنجی مدل تبیین عوامل مؤثر بر شکل‌گیری کز کارکردی‌های دانشجویان در آموزش عالی. پایان‌نامه دکترا. گروه مدیریت. دانشکده مدیریت. دانشگاه خوارزمی.
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۲)، نقشه جامع علمی کشور <https://erp.msrt.ir>
- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۹۳)، دستورالعمل نحوه بررسی تخلفات پژوهشی. <https://erp.msrt.ir>
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۹۷)، تأملی در مفهوم دانشگاه سازگار شونده، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش عالی ایران، سال دهم، شماره چهارم

- Bisogno, M., Dumay, J., Manes Rossi, F., Manes Rossi, F., & Tartaglia Polcini, P., (2018). Identifying future directions for IC research in Universities: a literature review. *Journal of Intellectual Capital*, 19(1), 10-33.
- Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (1989). *Fourth generation evaluation*, Newbury Park, CA: Sage.
- Helgesson, G., & Eriksson, S. (2015). Plagiarism in research. *Medicine, Health Care and Philosophy*, 18(1), 91-101.
- Henning, J., & Hellesnes, N. (2019). Detecting Plagiarism Patterns in student code.
- Leal Filho, W., Morgan, E. A., Godoy, E. S., Azeiteiro, U. M., Bacelar-Nicolau, P., Ávila, L. V., & Hugé, J., (2018). Implementing climate change research at universities: Barriers, potential and actions. *Journal of Cleaner Production*, 170, 269-277.
- Pecorari, D., & Petrić, B. (2014). Plagiarism in second-language writing. *Language Teaching*, 47(3), 269-302.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998). *Basics of Qualitative Research, Second Edition*, London: Sage Publications.